

کوپ ۲۱ : کدام راه حل؟ با هزینه کی؟

فرهنگ قاسمی



نمایندگان بیش از یک صد و پنجاه کشور جهان، بیش از هفت هزار نفر از وزرای دولت ها، مقامات بلند پایه اداری، خبرگان رسمی دولتی و غیر دولتی و نمایندگان جامعه مدنی به مدت دوهفته در پاریس گرد هم آمده اند تا گسترش تخریب کره خاکی را، که در اثر افزایش گازهای گلخانه ای (GHG) مسبب افزایش غلظت اتمسفر زمین و یکی از عوامل مهم تاثیر گذار در گرم شدن جهان است، تقلیل دهند.

این اقدام به نفس خود ضروری و برای سلامت نسل های آینده بدون کوچک ترین تردیدی وظیفه ای حیاتی است.

در این مذاکرات ظاهرا مانند هر مذاکره جدی هدف باید روشن و مشخص باشد و مذاکره کنندگان باید نسبت به پیدا کردن امکانات و وسائل اجرائی شوق و باور و احساس مسولیت داشته باشند. من ار خودم سوال می کنم چگونه می توان ادعا کرد که استثماریان و استثماریان، ثروتمندان و فقرا، چپاول شدگان و غارتگران، کودتا چیان و مردمان زیر فشار حکومت های نظامی و جنگ زده هدف و شوق و باور و احساس مسولیت و امکانات برابر و مشترک داشته باشند؟ چگونه می توان انتظار داشت استدلال و منطق و باور بوروکراتهای سازمان ملل با نمایندگان جامعه مدنی و با وزرا و خبرگان بلند پایه رسمی و غیر رسمی خوانائی پیدا کند. مسخره این است که رئیس دولت فرانسه همه این جمع را در محلی با درهای بسته می گذارد و می گوید من می خواهم که تا این تاریخ "به این" نتیجه برسید! به هرحال با نگاهی دور از واقعیت و بسیار خوشبینانه می توان امیدوار بود که این تظاهر بین المللی، که بسیجی با کیفیت نمایی و کم سابقه در تاریخ همکاری های ملل می تواند به شمار آید، بتواند کار ساز باشد و به این نیاز مبرم بشریت پاسخی مثبت دهد. اما بهتر است که منتظر باشیم و ببینیم این کوه بزرگ تبلیغاتی چه خواهد زائید؟

آیا اثرات آن در خدمت بشریت قرار خواهد گرفت و برای نسل های آینده مفید واقع خواهد شد و از گرمای زمین خواهد کاست یا اینکه این اقدامات هم به وسیله تازه ئی برای عمیق تر شدن نابرابری ها و

چپاول ها تبدیل خواهد شد؟

هزینه های ناشی از آن برنامه ریزی ها را بواقع چه کسانی بعهده خواهند گرفت؟ آیا این مخارج بعد از ضرب و تقسیم ها و تدابیر پولی و مالیاتی باز به گرده مردم عادی جوامع به ویژه مردمان ساکن کشور های در حال توسعه و توسعه نیافته و فقیر جهان خواهد افتاد؟ یا اینکه هزینه این برنامه ها را نفتخواران و کشور های ثروتمند و موسسات مالی جهانی یعنی بخشی از جوامع مقصر این وضعیت پرداخت خواهند کرد؟

اگرچه برخی از طرفداران واقعی محیط زیست این اقدام را گامی مثبت برای بهبود شرایط محیط زیست در جهان تلقی می کنند، اما به نتایج آن باور چندانی ندارند. در این زمینه سخنان فرانک بارات، شایان توجه است او می گوید: " فکر میکنم استفاده از یک بحران و استفاده از ترس مردم، برای تحقق سیاست هایی که بهرحال میخواستند به پیش ببرند، مسئله بسیار آشنایی است. سیاست هایی مانند محدود کردن حریم خصوصی، محدودیت بر جنبش برای مردم، و محدودیت ورود پناهندگان، همه این سیاست ها آشناست. این امر یک نمونه کاملاً کلاسیک است. آنچه که در طول نشست تغییرات اقلیمی در پاریس عریان میشود در واقع افشاء این ذهنیت است که چه چیزی بحران تعریف میشود و یا نمیشود. ما اینجا هستیم تا بحران موجود برای بشریت را به بحث بگذاریم، بحرانی که هیچگاه از سوی نخبگان مورد درمان قرار نگرفت. آنها سخنرانی های شگرف می کنند، اما قوانین را تغییر نمیدهند. این نشست، یک استاندارد دوگانه را به شکل بسیار عریانی به نمایش میگذارد. آنها به نام امنیت تقریباً هر کاری می کنند جز امنیت بشر، و حفاظت از حیات بر روی زمین. صحبت ها بسیار فراوان است، اما هیچ مقررات جدی ای برای آلوده کنندگان، و یا حتی قراردادهایی که خودشان قانوناً به آن ملزم باشند، وجود ندارد. بنابراین، ما در واقع داریم به عقب برمیگردیم. پیمان کیوتو قانوناً الزام آور بود، ولی اکنون ما داریم به سوی یک پیمان بیشتر داوطلبی، بی معنا و غیرمقرراتی حرکت می کنیم."

دولت های برخی از کشور های در حال توسعه با شک و تردید و بیشتر تنها برای مشارکت در چنین نمایش جهانی در آن شرکت دارند.

در مورد کشور های نفت خیز باید گفت که در به ثمر رسانیدن این مذاکرات و اجرای مفاد به تصویب رسیده آن صداقت کشور های تولید کننده نفت به سختی مورد تردید است. غالب این قدرت ها یا توسط استعمارگران با کودتا ها و جنگ ها به روی کار آمده اند و امروز

مورد حمایت آنان هستند یا اینکه به شدت توسط کشورهای صنعتی که نیازمند فرآورده های فسیلی می باشند پشتیبانی می شوند. از سوی دیگر بسیاری از این کشورهای صادر کننده نفت در کشور های صنعتی سرمایه گذاری های کلان کرده اند و با آنان منافع مشترک دارند. پس تعهداتشان محدود و سببولیک می باشد.

سران کشور های عقب مانده و فقیر که که زیر یوغ استثمار سرمایه داران جهانی قرار دارند و مردمشان از زباله های کشور های صنعتی امرار معاش می کنند فقط حضور خود را بیان می دارند و برخی از آنان در خلال این نشست ها علنا عجز خود را از هر اقدام مستقلی در این مورد بیان کرده اند. اینان در عمل نقشی در مذاکرات غیر از انجام تصمیمات ندارند، زیرا فقر در این کشور ها به اندازه ای بیداد می کند که دولت هایشان از امکانات مالی لازم برخوردار نیستند .

اما کوچ مردم های این کشور ها که در شرائطی بد تر از برده داری بسر می برند، به کشور های مرفه یکی از معضلاتی می باشد که در آینده صلح جهانی و نظم نا متعادل کنونی را به مخاطره جدی می اندازد و از هم اکنون خواب خوش را بر سزار های قرن بیست و یکم حرام می کند.

در این گردهمائی جهانی نقش نمایندگان الیگارش صنعتی و موسسات مالی جهانی یعنی دولت های توسعه یافته تعیین کننده است. در واقع این دسته آخر یعنی دولت هائی که خود باعث و بانی این شرائط اسفناک اند و با چپاول کشورهای جهان، بیش از دو قرن است که با تولید دی اکسید کربن زمین را تخریب می کنند در این نشست میخواهند با مشارکت مردم به چپاول رفته، جهان را بسازند. آیا براستی نباید در صمیمیت آنان شک کرد؟

سه کشور مهم تولید کنندگان آلودگی در کره زمین عبارتند از چین، آمریکا و هند که همچنان به رشد خود در زمینه افزایش آلودگی ادامه می دهند. در این میان فراموش نکنیم که ایران به دلیل سیاست های غلط و مخرب جمهوری استبدادی اسلامی در ردیف دهم این گناهکاران قرار دارد.

امروز قدرت های اصلی جهان یعنی جنگ آفرینان و ویرانگران و سازندگان پس از ویرانی، گوئی به این امر واقف شده اند که باید زمین را از این فاجعه بزرگ که به سرعت برق نظم طبیعت را دگرگون

می‌کند نجات دهند. هدفشان اینست که برای هر کشوری سهمی در مبارزه با افزایش تولید "گاز های گلخانه ای" قائل شوند تا به پالایش جهان دست یابند.

اگر تصمیم گیری‌ها زیرکانه اقتصاد سرمایه داری برای نابودی خشونت آمیز و برنامه ریزی شده صنایع کوچک بوسیله قدرت های صنعتی اجازه می‌داد که جهان از گسترش زیان آور شیوه های تولید انبوه مصون بماند؛ اگر جوامع می‌توانستند در دام وابستگی مصرفی نغلتند و مورد تجاوز جهان صنعتی قرار نگیرند؛ اگر منابع زیر زمینی شان به چپاول قدرتمندان صنعتی نمی‌رفت؛ اگر شیوه تولید و مصرف صنعتی برآنان تحمیل نمی‌شد؛ امروز تولید گاز کربن آنها نزدیک به صفر می‌بود مجبور بنودند پاسخگوی خرابکاریهای جهان صنعتی باشند.

گسترش تجارت جهانی مبتنی بر مزایای رقابتی، به این معنا که کشورهای صنعتی، سرمایه داران جهانی، بانک ها و موسسات مالی، به عبارت دیگر، تولید کنندگان و سرمایه گذاران اصلی موادیکه برای زمین مضر هستند، در سالهای اخیر بر اساس این اصل که "اغلب تکنیک‌هایی که در یک مکان یا زمان کارایی دارند در مکان و زمان دیگر کارایی ندارند" با جهانی کردن اقتصاد، با تقسیم تولیدات جهانی، تولیدات مخاطره آمیز، کثیف، زباله ها و وامانده های صنعتی خود را به کشور های فقیر و غارت شده جهان انتقال داده اند. جهان خیلی دیر، اما بالاخره امروز متوجه شده است که حل مشکل تغییرات منفی اقلیمی دور از دسترس نیست اما حل این معضل بایستی بطور عادلانه صورت پذیرد. عدالت خواهی حکم می‌کند که بنا بر واقعیت روند گسترش زیان وارد شده بر طبیعت، کشورهای صنعتی و توسعه یافته که سهم بیشتری در این خرابکاری دارند هزینه بیشتری را بعهده بگیرند و به کشورهای درحال توسعه در ایجاد فناوری های تازه برای مقابله با شرائط موجود دست به کار شوند . باید امیدوار بود که این اقدامات دام تازه ای برای چپاول مردمان فقیر و زحمتکش کره خاکی نباشد.